

تقسیمات محاکم

رای شعبه دیوان عالی تمیز

در مورد دعوی بدن آب ملکی کسی

نداشته و رسیدگی بشکایت بر طبق قانون طرز جلوگیری از تصرف عدوانی مستقیماً مربوط بخود مدعی العموم بوده است و پس از صدور قرار مستنطق نیز چون قرار مزبور موجب تضییع یا تضییق برای مدعی خصوصی نبوده میتواندست بمحکمه حقوق مراجعه کند و بموجب ماده ۱۷۱ اصول محاکمات جزائی عرضحال استینافی نباید پذیرفته شود چون بر طبق ماده ۴۳۲ قانون مزبور حق شکایت تمیزی از حیث ضرر و زیان بمدعی خصوصی داده شده و در این مورد بامکان مراجعه بمحکمه حقوق تصور ضرر و زیانی برای مدعی خصوصی نمیرود بنابراین این عرضحال تمیزی قابل قبول نیست و با استناد ماده ۴۵۴ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء مردود است ...

متولی موقوفه بیمار که بدایت مشهد شکایت کرده که مالکین مجاور او آب موقوفه را بقهر و غلبه بیاضات خود برده و میپزند قضیه بمستنطق رجوع شده و پس از استیضاح از شاکی مستنطق با موافقت مدعی العموم از جهت اینکه قضیه حقوقی و عنوان رفع مزاحمت دارد قرار عدم صلاحیت خود را صادر کرده و دستور بایگانی پرونده را داده است .

محکوم علیه استیناف خواسته - محکمه استیناف قرار مزبور را تأیید کرده - محکوم علیه تمیز خواسته شعبه (۵) جزائی دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۶۴۳ ر ۹۶۳۰ مورخ ۱۶۳۲۵ چنین رأی داده است :
« صرف نظر از اینکه اساساً رجوع امر از طرف مدعی العموم بدایت بمستنطق برای رسیدگی مقدماتی موردی

رای شعبه دیوان عالی تمیز

راجع بحصول مرور زمان در دعوی منقول که مورد دعوی جزائی واقع شده

میکنند و دعوی مقروک میماند تا در سال ۱۳۱۲ که مدعی با ضمیمه نمودن قسم نامه مورخ ۱۳۴۲ قمری بمرض حال خود مجدداً اقامه دعوی میکند مدعی علیه بعنوان اینکه تاریخ قسم نامه ۱۳۴۰ بوده و مدعی برای عدم شمول دعوی بمرور زمان عدد (۴۰) را (۴۲) کرده دعوی جعل نسبت بورقه مزبور کرده و قضیه مورد تعقیب بار که بدایت واقع و پس از تحقیقات با استناد ماده ۱۰۶ در دیوان جنائی تعقیب میشود - محکمه جنائی بلحاظ آنکه مباشرت متهم

بموجب ماده ۱۰۶ قانون مجازات - مجازات جعل و تزویر در اسناد و یا نوشتجات غیر رسمی حبس مجرد از دو تا ده سال است و هر کس آنها را مورد استفاده قرار دهد مجازات او حبس مجرد از دو تا پنج سال است .
کمی در سال ۱۳۴۰ قمری در محکمه بدایت بر کسی دعوی حقوقی میکند که مدعی علیه مبلغی به حیر از او گرفته است محکمه آنرا ارجاع بشرع کرده و محکمه شرع حکم اتیان بقسم از طرف مدعی علیه صادر

در جرم و تبدیل تاریخ ثابت نشده و بملاحظه آنکه تبدیل تاریخ مزبور مؤثر در امر نیست زیرا اطمینان قسم محدود بزمان معین نبوده و مراجعه متهم بمدعی علیه در هر زمان بدون اصطلاح بمروور زمان ممکن بوده حکم بمنع تعقیب متهم داده است - مدعی العموم از حکم مزبور تمیز خواسته دیوان عالی تمیز شعبه (۵) جزائی در حکم شماره ۶۴۲ ر ۳۸۳ مورخ ۱۶۳۲۵ چنین رای داده است :

« اعتراض مدعی العموم باینکه (متهم بموجب قسم نامه مورخ ۱۳۴۰ دارای حق قسم دادن بمدعی علیه بوده و در فروردین ۱۳۱۲ باستناد همان ورقه قسم نامه که دو سال تاریخ آنرا مؤخر نموده عرضحال بمحکمه تقدیم داشته در صورتیکه اگر تاریخ اصلی ورقه در نظر گرفته شود مرور زمان شامل دعوی میشود و این عمل مشارالیه برای مصونیت شمول دعوی از حصول مرور زمان است) از حیث اینکه محکمه ورقه قسم نامه را با مسلم دانستن تحریف تاریخ مؤثر در قضیه تشخیص نداده بحکم مزبور وارد میباشد چه

آنکه تاریخ منشاء دعوی مدعی بدوی بر مدعی علیه همان موقعی است که ادعا میکند مبلغی به جبر از او گرفته است که از آن تاریخ مرور زمان بر علیه مشارالیه شروع میشود و بموجب ماده (۴) قانون مرور زمان اموال منقول مصوب تیر ماه ۳۰۸ در آن تاریخ که بمحکمه بدایت عرضحال رسمی تقدیم و مطالبه حق فرضی خود را نموده مرور زمان مزبور منقطع و ۳ سال دیگر بمدتی که باقی مانده بوده افزوده شده است و صدور حکم شرعی بر اطمینان قسم مدعی علیه خلاصه بیان این معنی است که مدعی نتوانسته است ادعای خود را ثابت کند و فقط حق قسم دادن مدعی علیه که از برای او بوده بحال خود باقی است و این حکم موجب ثبوت حق جدیدی از برای مدعی نمیشود تا استدلال محکمه جنائی مورد داشته باشد بنا بر این حکم مورد استدعای تمیز در قسمت (استفاده از ورقه مجعول) باستناد ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود»

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد مجازات متهمی که سوابق محکومیت دارد

بماده ۲۴ اصلاحی قانون مجازات - در مورد جرائم عمومی حکم تکرار جرم در باره اشخاص ذیل جاری است اعم از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی:

(۱) کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بجزای جنائمی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایتی گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

۲ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بحبس تأدیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف مدت پنج سال از تاریخ اتمام مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد خواه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

کسی بعنوان داشتن دو سابقه محکومیت و ارتکاب دو سرقت مورد تعقیب واقع شده محکمه جنحه با ایشمار

بماده ۲۴ اصلاحی قانون مجازات - در مورد جرائم عمومی حکم تکرار جرم در باره اشخاص ذیل جاری است اعم از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی:

(۱) کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بجزای جنائمی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایتی گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

۲ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بحبس تأدیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف مدت پنج سال از تاریخ اتمام مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد خواه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

کسی بعنوان داشتن دو سابقه محکومیت و ارتکاب دو سرقت مورد تعقیب واقع شده محکمه جنحه با ایشمار

بماده ۲۴ اصلاحی قانون مجازات - در مورد جرائم عمومی حکم تکرار جرم در باره اشخاص ذیل جاری است اعم از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی:

(۱) کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بجزای جنائمی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایتی گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

۲ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بحبس تأدیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف مدت پنج سال از تاریخ اتمام مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد خواه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

کسی بعنوان داشتن دو سابقه محکومیت و ارتکاب دو سرقت مورد تعقیب واقع شده محکمه جنحه با ایشمار

بماده ۲۴ اصلاحی قانون مجازات - در مورد جرائم عمومی حکم تکرار جرم در باره اشخاص ذیل جاری است اعم از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی:

(۱) کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بجزای جنائمی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایتی گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

۲ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بحبس تأدیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف مدت پنج سال از تاریخ اتمام مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد خواه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

کسی بعنوان داشتن دو سابقه محکومیت و ارتکاب دو سرقت مورد تعقیب واقع شده محکمه جنحه با ایشمار

بماده ۲۴ اصلاحی قانون مجازات - در مورد جرائم عمومی حکم تکرار جرم در باره اشخاص ذیل جاری است اعم از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی:

(۱) کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بجزای جنائمی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایتی گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

۲ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بحبس تأدیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف مدت پنج سال از تاریخ اتمام مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد خواه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

کسی بعنوان داشتن دو سابقه محکومیت و ارتکاب دو سرقت مورد تعقیب واقع شده محکمه جنحه با ایشمار

«اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم مورد استدعا خلاصه آنکه (حکم استینافی از جهت عدم رعایت سوابق محکومیت مؤثر متهم برخلاف قانون است زیرا اولاً معلوم

نیز وارد نیست چه از ماده ۲۴ اصلاحی قانون مجازات عمومی و سایر مواد مربوط بتکرار جرم و سابقه محکومیت مستفاد است که سابقه محکومیت به حبس در دارالتادیب در مورد تکرار جرم مطلقاً رعایت نمیشود و در این مورد که بر حسب تشخیص محکمه متهم در موقع ارتکاب جرائم سابقه استحقاق حبس در دارالتادیب را داشته (اگر چه بر حسب ورقه سجل جزائی در احکام سابقه حبس تادیبی معین شده باشد) نمیتوان آن سابقه را مشمول مواد مزبور و مؤثر در مجازات جرم اخیر دانست و چون از جهت رعایت اصول محاکمه و قانون اشکال مؤثر موجب نقض بنظر نمیرسد بنابراین حکم مورد استدعا باتفاق آراء ابرام میشود ...

نیست که سن متهم در موقع ارتکاب جرائم سابقه کمتر از ۱۸ سال بوده و بلکه قرینه بر خلاف آن که عبارت از تعیین مجازات تادیبی در احکام سابقه باشد برخلاف موجود است و ثانیاً بر فرض که متهم در آن موقع ۱۸ سال تمام نداشته چون سن او از ۱۸ سال متجاوز است باید سوابق محکومیتش منظور شده باشد) وارد نیست زیرا مستفاد از حکم این است که محکمه از ملاحظه تصدیق پزشکی قانونی مشر بر اینکه متهم ۱۸ سال متجاوز دارد استنباط نموده که او در تاریخ ارتکاب دو جرم سابق کمتر از ۱۸ سال داشته و باین کیفیت اعتراض اول مدعی العموم استهناف در حقیقت ایراد بنظر محکمه حاکمه است در تشخیص موضوع که قابل اعمال نظر تمیزی نخواهد بود و اعتراض دیگر مدعی العموم مزبور

رای دیوان عالی تمیز

در مورد ناتمامی سند رسمی و تاثیر آن در اصل معامله

تشخیص داده است طرفین در قسمت محکومیت خود استیناف داده - محکمه پس از رسیدگی چنین رای داده است:

چون تحقیقات محکمه ابتدائی برای احراز اقرار مدعی علیه باخذ وجه معامله قطعی رقبات مورد معامله کافی است و امتناع او از امضای دفتر نماینده ثبت با ملاحظه آنکه اصل سند معامله و دفتر صاحب دفتر را امضا کرده مانع نفوذ اقرار کتبی او در سند و در دفتر رسمی نخواهد بود و بنا بر این وجهی از بابت معامله مزبور بر ذمه مدعی باقی نبوده تا مدعی علیه محق در مطالبه وجه باشد و بجهت مذکور اعتراض او باینکه اعتراف بوقوع معامله با اخذ ثمن ملازمه ندارد وارد نیست و نظر باینکه معامله بطور صحیح واقع شده و امتناع مدعی علیه از امضاء دفتر حق اختیار فسخ برای مدعی ایجاد نمیکند تا بر حسب حق مزبور قادر بر فسخ معامله و استرداد ثمن باشد و بهمین جهت اعتراض او باینکه معامله رسماً تمام نبوده زیرا فروشنده دفتر را امضا نکرده بی اثر است چه آنکه امتناع او از امضاء فقط محل بر سمیت سند است و در

بموجب ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد - سندی که مطابق قانون ثبت شده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرج در آن معتبر خواهد بود .
مفهوم این ماده این است که اگر مطابق قانون ثبت نشود رسمی نیست ولی نمیتوان گفت محتویات و امضاهای در آن اعتبار نخواهد داشت زیرا ثبت نشدن سند مطابق قانون تنها دلیل عدم رسمیت آن سند است و هیچ دلالتی بر بی اعتباری محتویات و امضاهای آن ندارد .

راجع باین موضوع :

کسی در محکمه بدایت بر کسی دعوی کرده که طبق سند موجود در دفتر اسناد رسمی مدعی علیه ملکی را بدهی فروخته و قیمت را گرفته و دفتر صاحب دفتر را امضاء کرده ولی از امضای دفتر نماینده ثبت خودداری کرده است بنا بر این معامله ناتمام و مبلغ دریافتی را باید مسترد دارد - مدعی علیه عرض حال تقابل بمحکمه تقدیم و میبایستی از بابت بقیه قیمت معامله مطالبه کرده است - محکمه پس از رسیدگی هر دو را در دعوی خود بی حق

حکم شماره ۶۶۱ ر ۱۳۸۰۷ و حکم شماره ۶۶۳ ر ۱۳۸۰۸ مورخ ۲۶ ر ۱۶۳۲۶ چنین رای داده است:

« چون بر نظر محکمه استیناف که امتناع فروشندگانه را از امضای دفتر مؤثر در حصول خیار فسخ ندانسته و حکم بدایت را در بی حقی مدعی نسبت به استرداد ثمن معامله تأیید کرده اشکالی متوجه نیست و بر طرز رسیدگی و محاکمه از حیث رعایت اصول و مقررات نیز اشکالی بنظر نمی‌رسد بنا بر این حکم مورد استدعای تمیز باتفاق اراء ابرام میشود ... »

فسخ یا بطلان معامله که صحیحاً واقع شده تأییدی ندارد و عبارت دیگر ضد معامله تمام نشده نه نفس معامله و همانطور که در حکم ابتدائی تذکر داده شده مدعی میتواند از مجرای محکمه موجبات الزام مدعی علیه را با امضای دفتر نماینده فراهم نماید و با الجماله بر حکم مستأنف عنه به نفع هیچیک از مستأنفین اشکالی وارد نیست و حکم مزبور تأیید میشود.

مدعی محکوم علیه در موعد مقرر از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد غیر مالی بودن دعوی خلع ید

مدعی به قابل تردید نیست و مقتضی بوده که مستأنف قیمت مدعی به را تعیین و معادل آن الصاق تمبر کند و نکرده بنا بر این به موجب ماده ۲۹۱ مکرر اصول آزمایش و ۶۸ قانون تسریع قرار رد عرضحال مزبور داده میشود - محکوم علیه در موعد مقرر تمیز خواسته - شعبه ۳ دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۶۵۸ ر ۱۳۰۴۵ و حکم شماره ۶۵۹ ر ۱۳۰۴۷ مورخ ۲۶ ر ۱۶۳۲۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است:

« در عرضحال بدوی مدعی به عبارت بوده از رفع ید مدعی علیه از سهام رقیبات و اجور ده ساله که موضوع اجور مالی تشخیص شده و خرج تمبر قانونی اخذ شده و موضوع رفع ید غیر مالی تشخیص گردیده و میبایست در مرحله استیناف نیز از همان قرار رفتار میشد زیرا نمیتوان موضوع رفع و تخلیه ید را موضوع مالی دانست - و چون طرفین دعوی در موقوفه بودن سهام رقیبات اختلافی ندارند و تنها اختلاف راجع به تخلیه ید و عدم آنست و این معنی را نمیتوان موضوع مالی تشخیص کرد چنانکه در مرحله بدوی دعوی نیز این موضوع مالی تشخیص نشده - بنا بر این اعتراض مستدعی تمیز وارد و قرار مزبور برخلاف ماده ۷۸۴ اصول محاکمات حقوقی صادر شده و باتفاق اراء نقض میشود ... »

بموجب ماده ۷۸۴ اصول محاکمات حقوقی - محکمه مکلف است مقدار مدعی به را پیش از صدور حکم معین نماید و هر گاه قیمت آنرا نتوان معین نمود یعنی مدعی به موضوع مالی نداشته باشد بقیه خرج حکم در محاکم صلحیه هشت ریال و در محاکم بدایت بیست ریال گرفته میشود.

کسی در محکمه بدایت به مدعی به خلع ید از ... سهم از مزرعه وقفی و اجرة المثل بمبلغ ... بر کسی دعوی کرده محکمه بدایت پس از رسیدگی مدعی علیه را بتخلیه ید از سهام ملك مزبور که وقف اولادی بوده محکوم کرده و نسبت باجرة المثل ارجاع بخیره کرده است - محکوم علیه بدون الصاق تمبر از حکم مزبور استیناف خواسته از طرف دفتر استیناف باو اخطار شده که در ظرف دو روز حاضر شده مدعی به را معین کنند و هر ده ریالی ضد دینار باضافه يك ریال تمیز به عرضحال الصاق کند و گرنه عرضحال او رد خواهد شد - در موعد مقرر و کیل مستأنف در دفتر حاضر و مدعی به را غیر مالی معرفی کرده و نسبت بمقدار مالی تمبر الصاق کرده محکمه استیناف رای داده که: (چون مدعی به دعوی بدوی اصل ملك بعنوان اختصاص بمدعی بدوی قرار داده شده و قیمت مدعی به نیز تعیین گردیده نهایت تفکیک میان قیمت اصل و اجور نشده است و در حال مالی بودن